### جلسه 9

چهارشنبه - 17/۰9/۹۵

أعوذ باللّه من الشیطان الرجیم بسم اللّه الرحمن الرحیم الحمد للّه ربّ العالمین و صلّی اللّه علی سیّدنا محمّد و آله الطاهرین سیّما بقیّة اللّه فی الأرضین و اللعن علی أعدائهم أجمعین.

بحث راجع به حرمت غنا بود که ادعا شد که خلافی در حرمت غنا بین فقهاء امامیه نیست.

گفتند لاخلاف فی حرمة الغنا فی الجملة بین فقهاء الامامیة. و روایات متعدده‌ای هم راجع به آن بود که در ذیل آیه و اجتنبوا قول الزور وارد شده بود که فرمودند مراد غنا هست یا در ذیل آیه الذین لایشهدون الزور وارد شده بود که گفتند مراد غنا هست و یا در صحیحه محمد بن مسلم گفت: الغنا مما اوعد الله علیه النار ثم تلی هذه الآیة و من الناس من یشتری لهو الحدیث لیضل عن سبیل الله بغیر علم و یتخذها هزوا اولئک لهم عذاب مهین. و روایات دیگری که مطرح بود. از جمله آنچه که صاحب وسائل از کتاب علی بن جعفر نقل می‌کند که از امام کاظم علیه السلام سؤال کرد: الرجل یتعمد الغنا یُجلس الیه؟ قال لا. نهی از نشستن در کنار شخصی که غنا می‌خواند، ‌این جز حرمت غنا توجیه دیگر ندارد. و یا روایاتی که راجع به اجر مغنیة هست، اجر المغنیة سحت.

#### محدث کاشانی ومحقق سبزواری: انصراف حرمت غنا به غنای مقارن با محرمات

نقل شده در کلمات از جمله در کتاب مکاسب از محدث کاشانی و محقق سبزواری که گفتند غنا بما هو هو حرام نیست و این روایات ناهیه از غنا منصرف است به متعارف در آن زمآن‌که مقارنات حرامی داشت. مثل این‌که در زمان بنی امیه و بنی العباس زن‌ها غنا می‌خواندند در حضور مردها و کلمات باطل را بیان می‌کردند و از آلات ملاهی استفاده می‌شد. وقتی می‌گویند اجر المغنیة سحت آن‌هایی را می‌گویند که اینگونه غنا می‌خواندند.

و لذا محدث کاشانی در وافی این‌جور دارد: الذی یظهر من مجموع الاخبار الواردة فی الغنا اختصاص حرمة الغنا و ما یتعلق به من الاجر و التعلیم و الاستماع بما کان علی النحو المعهود المتعارف فی زمن بنی امیة و بنی العباس من دخول الرجال علیهن و تکلمهن بالاباطیل و لعبهن بالملاهی من العیدان و القضیب، ‌قضیب یعنی نی، دون ما سوی ذلک. بعد استشهاد می‌کند به روایت ابی بصیر. می‌گوید در روایت ابی بصیر آمده: اجر المغنیة التی تزف العرائس لیس به بأس و لیست بالتی یدخل علیها الرجال. ایشان فرموده ببینید! روایت می‌گوید اجر مغنیه‌‌ای که در عروسی زنانه غنا می‌خواند اشکال ندارد. و لیست بالتی یدخل علیها الرجال ظاهرش تعلیل است که چون این زن مغنیه که برای عروسی بانوان غنا می‌خواند جلوی مردها که نمی‌خواند، معلوم می‌شود مشکل این مقارنات غنا است که غنا را ممنوع کرده.

و لذا غنا که متضمن اشعار حقه هست که یاد بهشت و جهنم انسان را می‌اندازد این اشکال ندارد. و در یک روایتی هست که می‌گوید لابأس بالجاریة که غنا بخواند فذکّرتک الجنة، تو را یاد بهشت بیندازد. اینها ذکر خدا است. بعد هم محقق کاشانی آیه را هم می‌خواند که خلاصه تقشعر منه جلود الذین یخشون ربهم ثم تلین جلودهم و قلوبهم الی ذکر الله. خب اگر غنایی در مسیر یاد خدا باشد، این اشکال ندارد.

در مفاتیح الشرائع این‌جوری گفته فیض کاشانی، گفته: الذی یظهر من مجموع الاخبار الواردة فی الغنا و یقتضیه التوفیق بینها اختصاص حرمته بما کان علی النحو المعهود المتعارف فی زمن بنی امیة من دخول الرجال علیهن و استماعهم لصوتهن و تکلمهن بالاباطیل و لعبهن بالملاهی من العیدان و القضیب و غیرها و بالجملة ما اشتمل علی فعل المحرم دون ما سوی ذلک. غنایی ممنوع است که مقترن باشد به یک فعل محرم و الا حرام نیست.

محقق سبزواری در کفایة‌ الاحکام ایشان هم می‌گوید المذکور فی الاخبار الغنا. در روایات گفتند که غنا حرام است. مفرد معرّف به لام، مفرد محلی به لام که دال بر عموم نیست. ما اطلاق را در فرضی می‌توانیم اثبات کنیم برای مفرد محلی به لام که انصرافی به یک فرد و به یک حصه نداشته باشد. غنا در آن زمان منصرف بود به فرد شایع. چه جور مولی اگر به عبدش بگوید اشتر اللحم انصراف دارد به لحم شایع در بلد؟ بروند گوشت زرافه بخرند بیاورند، می‌‌گوید این دیگه چیه؟ می‌گوید گوشت زرافه است در یک فروشگاهی که اخیرا افتتاح شده، ‌خیلی هم خوب است. می‌گوید آقا! من که گفتم اشتر اللحم یعنی این؟ اشتر اللحم یعنی لحم متعارف. اشتر اللبن! برود شیر فلان حیوان را بیاورد بگوید خاصیت دارد. خب این فرد شایع از لبن، لبن گاو و گوسفند است دیگه. خب اینجا هم همین‌طور است. الغنا حرام که در روایت گفت و من الناس من یشتری لهو الحدیث لیضل عن سبیل الله قال الغنا، غنا در آن زمان منصرف بوده به فرد شایع که زنانی، کنیزانی غنا می‌خواندند در مجالس فسق و فجور و کلمات باطل را بر زبان جاری می‌کردند، مردها حضور داشتند، ‌آن غنا حرام است. اما اگر همچون غنایی نبود، دلیل بر حرمت آن ما نداریم.

استفاده‌ای که شده در کلمات خیلی از بزرگان از کلام محقق سبزواری و محدث کاشانی گفتند این دو بزرگوار گفتند غنا حرام نیست؛ آن مقارنات غنا ممکن است حرام باشد.

و لکن انصاف این است که ظاهر کلام محقق سبزواری و محدث کاشانی این نیست که غنا حرام است. اتفاقا می‌گویند غنایی که مقترن است به فعل‌های محرم دیگر خود این غنا هم حرام می‌شود. یعنی اگر غنا مقترن بود به یک فعل حرام دیگر، این شخصی که غنا می‌خواند دو گناه می‌کند. یکی آن حرام آخر را مرتکب می‌شود، ‌یکی این‌که غنا می‌خواند. این‌طور نیست که محدث کاشانی بگوید غنا حرام نیست؛‌ آن فعل آخر که مقارن با او است حرام است. تعبیری که محدث کاشانی می‌کند چه در وافی چه در مفاتیح الشرائع می‌گوید اختصاص دارد حرمت غنا به آن غنایی که مقترن است به افعال محرمه.

محقق ایروانی...

[سؤال: ... جواب: محدث کاشانی که انصراف را مطرح کرد گفت انصراف دارد حرمت غنا به آن غنا معهود در آن زمان؛ غنا شایع در آن زمان. اما غنا حرام است. غنا شایع در آن زمان حرام نیست، آن مقارنات حرام هستند. ... بله، محدث کاشانی می‌گوید که اگر غنا مقترن به فعل محرم آخری نباشد، فی حد نفسه حرام نیست.

#### محقق ایروانی: مذهب محدث کاشانی ومحقق سبزواری اختصاص حرمت غنا به محتوای باطل است

محقق ایروانی فرموده که آقا! محدث کاشانی و محقق سبزواری مطلب جدیدی نگفتند. مطلبی را گفتند که ما هم قبول داریم. آنها نگفتند که غنا حرام نیست. آنها می‌گویند غنا در جایی حرام است که محتوای کلام، باطل باشد. اشعار مشتمل بر مضامین باطل و لهوی اگر به شکل غنا خوانده بشود این حرام است. خب ما هم نظرمان همین است.

منتها ایشان می‌گویند ما معتقدیم اصلا احراز نمی‌کنیم صدق غنا را بر آن آواز خوش در ضمن کلام غیر باطل. کلام غیر باطل کلام حق با آواز خوش به هر نحوی خوانده بشود ما در این‌که این غنا هست تشکیک می‌کنیم. محدث کاشانی می‌گوید غنا صدق می‌کند ولی اطلاق ندارد دلیل حرمتش. و الا نتیجه یکی است. محقق ایروانی می‌گوید ما در صدق غنا تشکیک می‌کنیم در جایی که مضمون و کلام که این آواز خوش را در این کلام خوانده‌اند باطل نباشد، ‌کلام حق باشد، ‌ما در صدق غنا اشکال می‌کنیم، ‌محدث کاشانی و محقق سبزواری غنا را صادق می‌دانند، می‌‌گویند خطاب تحریم منصرف است به فرد شایع آن زمان و الا نتیجه یکی است.

ایشان می‌فرمایند برای توضیح مطلب بگویم غنا یک مفهوم مجملی است. کلمات لغویین اختلاف دارد. قدرمتیقن‌گیری باید بکنیم. مازاد بر قدرمتیقن مجری اصل برائت است. قدرمتیقن از غنا آن آوازی است که اولا در یک کلام لهوی و باطل خوانده بشود، ‌ثانیا خود آواز مشتمل باشد بر مدّ و ترجیع و طرب. چهار چیز کنار هم جمع بشود، مضمون کلام باطل باشد و نوع آواز مشتمل بر مد، کشیدن، ‌ترجیع، در حلق انداختن، چهچه زدن و مشتمل بر اطراب باشد. اطراب یعنی آن‌که شأنش این است که شنونده را دچار سبکی و خفت می‌کند. اینها که کنار هم جمع شد می‌شود قدرمتیقن غنا. ما هم همین را می‌گوییم. خب مطلب تازه‌ای نگفتند این دو بزرگوار. فقط فرق ما با اینها این است: ما می‌گوییم اصلا صدق غنا محرز نیست. اینها می‌گویند دلیل حرمت غنا انصراف دارد.

#### محقق ایروانی: اختلاف الحان اهل فسق وفجور با بقیه در محتوا است نه در کیفیت

بعد محقق ایروانی می‌گوید اصلا به شما بگویم: این‌که این آقایان مثل مرحوم شیخ انصاری می‌آیند می‌گویند که آقا! کیفیت صدا مهم است، ‌کیفیت صدا اگر مناسب با الحان اهل فسق و فجور بود می‌شود غنا، ‌اصلا لحن خاصی مگر دارد؟ الحان اهل فسوق و فجور مگر الحان خاصی است؟ همان الحان غیر اهل فسوق و فجور است. محتوای سخن‌شان فرق می‌کند. اهل فسق و فجور اشعاری را که انتخاب می‌کنند، ‌اشعار باطل است. اما غیر آنها می‌روند اشعار حق را انتخاب می‌کنند. و الا نحوه آواز فرق نمی‌کند. و هیچ عرفی بخاطر نحوه و کیفیت آواز نمی‌آید بگوید این کیفیت، ‌لهویه است. این کیفیت مناسب با مجالس اهل فسوق فجور است. نه. نگاه می‌کنند به مضمون. ببینند اگر مضمون کلام، مضمون حماسی و علمی و دینی باشد می‌گویند به به. همین کیفیت اگر در یک کلامی باشد که حرف از بزم و مجالس عیش و نوش بزند باشد می‌گویند خاموشش کن؛ این حرام است و غنا هست.

این فرمایش مرحوم محقق ایروانی.

#### استاد: محتوای باطل حرام مستقل نیست

به نظر ما این توجیه محقق ایروانی درست نیست. نظر محقق ایروانی را بعدا بحث می‌کنیم که آیا در صدق غنا و لو از باب قدرمتیقن شرط است که کلامی را انتخاب کند مغنی که کلام باطل باشد، این را بعدا ان شاء الله بحث می‌کنیم. اما مسلّم محدث کاشانی این را نمی‌گوید. محدث کاشانی می‌گوید:‌ محرم آخری باشد در کنار غنا. مگر شعر باطل خواندن این، محرم است؟ شما مغنی که می‌خواندید چقدر از این اشعار هجو و لهوی و باطل را به خوردتان دادند به عنوان شاهد بر ادبیات عرب؟ مگر شنیدن اینها، مگر خواندن اینها حرام است؟ محدث کاشانی گفت: غنایی حرام است که مقترن باشد به فعل محرم آخر. مگر صرف تکلم به یک کلام باطل و لهوی، اشعار جاهلیت را خواندن، این، حرام است؟

 [سؤال: ... جواب: گفت غنایی که مقترن است به فعل محرم آخر. یعنی فعل محرم آخر را جدا حساب کنید. پس محدث کاشانی مطلبش فرق می‌کند با محقق ایروانی. محقق ایروانی می‌گوید مطلب من را می‌گویند این دو بزرگوار. کی محدث کاشانی می‌گوید که غنا باید در کلام لهوی باشد؟ می‌گوید اصلا غنایی حرام است که مقترن باشد با یک فعل محرم آخر که دلیل دیگری بر حرمت آن فعل قائم بشود. ... نخیر. او می‌گوید فعل محرم آخری باید باشد در کنار غنا تا غنا بشود حرام. خب فعل محرم آخر در مواردی که آوازی می‌خوانند که مضمون اشعار لهوی را بیان می‌کند، این، غیر از این غنا فعل محرم آخری نداریم. خواندن آن شعر بماهوهو که حرام نیست.

[سؤال: ... جواب: تکلم به اباطیل غیر از این مطلب محقق ایروانی است. محقق ایروانی می‌گوید اشعاری که، ‌تعبیر محقق ایروانی این است: می‌گوید به نظر من قدر متیقن از غنا آن موردی است که مضمون کلام لهوی باشد. تعبیر این است: می‌گوید که: فی خصوص ما کان من الغنا فی کلام باطل، بعد هم می‌گوید صرف کلام باطل که حرام نیست. خود محقق ایروانی می‌گوید. می‌گوید صرف کلام باطل که حرام نیست. باید همراه باشد با کیفیت آواز. و الا کلام باطل را همین‌جوری می‌خوانیم در کتاب مغنی اللبیب، این حرام است؟ اما محدث سبزواری گفت: آن فعل آخر باید حرام باشد. صرف تکلم به اباطیلی که اشعار جاهلیت را بخوانیم به عنوان شاهد برای فلان استعمال ادبی، این‌که حرام نیست. تکلم به اباطیلی که محدث کاشانی گفت یعنی ترغیب به گناه، ایجاد شهوت به حرام. بله، ‌او اگر بدون آواز هم کسی بیاید اشعاری بخواند که ترغیب به گناه بکند، ‌ترغیب به فساد بکند، ‌حرام است. پس فرق است بین کلام محدث کاشانی و محقق ایروانی. چرا محقق ایروانی می‌گویند کلام ما با محدث کاشانی یکی است؟

بله، محقق سبزواری ممکن است مقصودش همین باشد که غنا در جایی که محتوای کلام، باطل و لهوی است حرام است. چون ایشان ندارد که اقترن الغنا بمحرم آخر. ولی محدث کاشانی خصوص غنایی را می‌گوید که اقترن بمحرم آخر که دلیل بر حرام بودن او دلیل آخری است.

پس اجمالا محدث کاشانی یک قول متوسطی را انتخاب کرده. نه آنی که به او نسبت دادند که می‌گوید اصلا غنا حرام نیست و نه آنی که مشهور می‌گویند، می‌گویند غنا حرام است مطلقا یا در ضمن کلام لهوی، نه. محدث کاشانی می‌گوید آن غنایی حرام است که مقترن باشد به فعل محرم آخر.

 و لذا این اشکالی که آقای خوئی به محدث کاشانی کرده، ‌گفته جناب محدث کاشانی! آخه این چه حرفی است شما می‌زنید؟ ظاهر تحریم غنا این است که به عنوان غنا حرام است، نه این‌که آن مقارنات، حرام هستند، خب جوابش روشن شد. محدث کاشانی هم اتفاقا می‌گوید خود غنا حرام می‌شود به صرف اقتران محرمات آخر نه این‌که غنا حرام نیست.

ما ادله‌ای که محدث کاشانی و محقق سبزواری مطرح کردند یا ممکن است مطرح کنند بر این‌که غنا مطلقا حرام نیست، غنایی حرام است که اقترن بمحرم آخر، عرض می‌کنیم، ببینیم این ادله درست هستند یا نه.

دلیل اول ادعای انصراف بود که گفتند انصراف دارد اخبار محرمه غنا به غنا متعارف در آن زمآن‌که مقترن بود به یک سری محرمات. بر فرض غنا باشد که هست ولی دلیل غنا منصرف است به فرد شایع در آن زم‌آن‌که مقترن بوده به محرمات آخر.

#### اشکال در انصراف حرمت غنا به فرد مقترن با محرمات دیگر

انصاف این است که این بیان کاملا نادرست است. چرا؟ برای این‌که وقتی دلیل می‌گوید و من الناس من یشتری لهو الحدیث لیضل عن سبیل الله قال الغنا، ‌الرجل یغنی أ یجلس الیه؟ قال لا، و اجتنبوا قول الزور قال الغنا، چه وجهی دارد ما ادعای انصراف کنیم به آنی که مقترن است به محرم آخر. این مثل این می‌ماند که ادعای انصراف بکنیم که غنایی حرام است که مقترن باشد به شرب خمر. اگر کسی بیاید بگوید چون متعارف بود در آن زمان مجالس غنا شرب خمر هم می‌کردند، پس شما بگویید غنایی حرام است که مقترن باشد با شرب خمر؟ این چه وجهی دارد؟ غنا حرام است. قضیه، حقیقیه است. حتی آن مردی که برای دوستانش غنا می‌خواند. خود غنا مضل عن سبیل الله هست. چون غنا حرام است.

فوقش شما بعدا مثل محقق ایروانی بشوید، بگویید غنایی لیضل عن سبیل الله هست، ‌غنایی لهو الحدیث است که مضمونش لهوی باشد. این بحث دیگری است. ما فعلا وارد این بحث نشدیم که آیا حتما شرط است در صدق غنا یا در حرمت غنا که اشعاری را انتخاب کنیم که مضمونش لهوی باشد یا همچون شرطی نیست. این بحث دیگری است. ما فعلا نظرمان به کلام محدث کاشانی است. گفت غنایی حرام است که اقترن بمحرم آخر. ما می‌گوییم این چه وجهی دارد؟ اطلاق دارد.

#### وجه دوم: روایت علی بن جعفر: لاباس ما لم یعص به

وجه دوم که ذکر کرده روایت علی بن جعفر هست. دقت کنید! روایت علی بن جعفر این است، می‌گوید: عن الغنا هل یصلح فی الفطر و الاضحی و الفرح؟ قال لابأس به ما لم یزمر به یا ما لم یزمّر به. در کتاب علی بن جعفر این‌طور نقل کرده است. ولی در قرب الإسناد از عبدالله بن الحسن نقل می‌کند از علی بن جعفر، می‌‌گوید لابأس به ما لم یعص به.

خب محدث کاشانی حرفش این است، می‌‌گوید خب امام فرمود غنا جایز است ما لم یعص به، ‌مادامی که مقرون به گناه نباشد. ما لم یزمّر به. آن هم یعنی مادامی که مقرون به استعمال آلات لهو مثل مزمار نباشد. و چون احتمال نمی‌دهیم جواز غنا مختص باشد به ایام فرح و عید فطر و اضحی پس معلوم می‌شود که مطلقا غنایی که همراه با عصیان و استعمال آلات لهو نباشد حلال است.

جواب‌های مختلفی داده شده از این استدلال.

#### مرحوم شیخ: مقصود عصیان با خود غنا است، که مقصود صوت لهوی مشتمل بر ترجیع است

یک جواب مرحوم شیخ داده. فرموده ظاهر ما لم یعص به این است که ما لم یعص به خود این غنا نه ما لم یعص فی جنب الغنا. ظاهرش این است که خود غنا عصیان است. شمای محدث کاشانی دارید معنا می‌کنید این روایت را می‌گویید ما لم یعص فی جنب الغنا. خب این خلاف ظاهر است. ما لم یعص بالغنا نه ما لم یعص مقترنا بالغنا که شمای محدث کاشانی معنا می‌کنید.

[سؤال: ... جواب: خلاف ظاهر است. ظاهر ما لم یعص به یعنی ما لم یعص بسبب الغنا. یعنی غنا مصداق عصیان نباشد.

و لذا مرحوم شیخ می‌گوید خب باید این را معنا کنیم دیگه. و الا چه معنایی دارد به قول شما لابأس بالغنا ما لم یکن عصیانا، ما لم یکن حراما. این‌که ضرورت بشرط محمول می‌شود. ایشان می‌گوید خب توجیهش این است، بگوییم مراد از غنا مطلق صوت حسن هست. هر صدای مشتمل بر ترجیع، حالا بگویید صوت حسن، اینجا غنا به معنای صوت حسن هست، ‌صوت مشتمل بر ترجیع هست، امام می‌فرماید غنا دو قسم است، ‌یک غنایی که حرام است و آن صوت مشتمل بر ترجیع مطرب، صوت لهوی، آواز لهوی است و یک صوت حسنی هست که او عصیان نیست، آواز خوشی که مشتمل بر کیفیت لهویه نباشد.

ما لم یزمّر به یا ما لم یزمر هم معنا می‌کند. می‌گوید آقا! غنا حلال است ما لم یزمر یعنی مادامی که به شکلی که نی می‌زنند و ترجیع می‌دهند در حال نی زدن، ‌نی زدن یک حالت ترجیع در او هست، رفت و برگشت دارد، صدای خوش را در آن ترجیع ندهید همان‌گونه که در ضرب مزمار ترجیع می‌دهید. ما لم یزمر یعنی ما لایرجّع فیه مثل الترجیع فی المزمار. یا بگویید مراد از ما لم یزمّر به یعنی ما لم یتغن به علی سبیل اللهو.

انصاف این است: این توجیه خلاف ظاهر است.

#### استاد: محدث کاشانی هم غنا را در صورت اقتران به محرمات حرام میدانست

اما این‌که ایشان فرمود ما لم یعص به، ‌ظاهرش تحقق معصیت به خود غنا هست خب محدث کاشانی منکر نشد. خب من هم قبول دارم که گاهی خود غنا حرام است. غنایی که مقترن است به محرمات دیگر خود این غنا حرام است. پس از این جهت لازم نیست بگوید ما لم یعص یعنی ما لم یقترن بالعصیان. نه. بعضی از غناها به نظر محدث کاشانی حرام است.

اما این‌که بالاخره این روایت باید توجیه بشود و الا معنایش این می‌شود که الغنا حلال ما لم یکن حراما، خب بله باید توجیه بشود. اما توجیهی که شمای شیخ انصاری کردی عرفی نیست. چرا؟ برای این‌که معنای فرمایش شما این است که الغنا حلال ما لم یکن غنا. شما این‌جور گفتید دیگه. غنا حلال است مگر غنا باشد. چون می‌گویید غنا به معنای صوت حسن، گاهی غنای حقیقی است، حرام است. گاهی غنای مجازی است، غنای مسامحی است، حلال است. پس بگویید غنا حلال است مگر غنای حقیقی باشد. مثل این‌که خوردن آب حلال است مگر آب باشد. یعنی آب حقیقی باشد. این عرفی است؟ این عرفی نیست.

 و لذا این توجیه مرحوم شیخ عرفی نیست.

تامل بفرمایید ان شاء الله بقیه مطالب هفته آینده.